

## اسناد سخن می گویند

کنفرانس مطبوعاتی حزب توده ایران در سال 1358

# پیش روی مخالفان آزادی با جنگ کردستان آغاز شد

چپ کشی را از دوران دادستانی آذری قمی می خواستند آغاز کنند. موقتا متوقف شد، زیرا زمینه آن تا حد تحمل نکردن مسلمانان غیر هم اندیش وجود داشت.

1- ما معتقدیم که در ایران یک حمله جدی از طرف گروه های راست برای محدود کردن آزادی ها آغاز شده بود. برنامه ای بود برای یک **چپ کشی** که در جامعه ایران آغاز شد و حتی به اعدام افرادی در بعضی از شهرستان ها منجر شد. جلوی این حمله وحشیانه عناصر افراطی راست را گرفتند و فعلا این تیغ را کنده کرده اند، ولی به نظر ما این خطر به هیچوجه در جامعه از بین نرفته است. **این خطر به معنای کامل وجود دارد** زیرا عناصر فکری اجتماعی و عینی اش وجود دارد.

2- ما با سیاست های نفتی حسن نزیه در دولت و بطور کلی سیاست های دولت (بازرگان) اختلاف نظر داریم، اما این اختلاف نظر موجب نمی شود که از تصمیمات درست و مثلا سخنان اصولی دکتر یزدی وزیر خارجه دولت در امریکا حمایت نکنیم.

3- با این تصفیه ها که در دستگاه دولتی انجام می شود و هر کس ریش می گذارد و تسبیح بدست می گیرد سرچایش می نشیند مخالفیم. دستگاه دولتی از بخشی از کادرهای فنی با ارزش که طرفدار انقلاب اند ولی طرز تفکر دیگری دارند و حتی مسلمان هم هستند، ولی آن طور که قشریون می خواهند نیستند محروم خواهد شد.

4- خلق کرد الان (1358) درست 109 سال است که دارد برای خواست های خود می جنگد، خون می دهد. این ذمل، این زخم را باید التیام داد. باید راه حلی پیدا کرد که این خصومت و دشمنی تبدیل بشود به دوستی خلق ها، به اتحاد داوطلبانه خلق هایی که با هم زندگی می کنند. این راه را ما همان اول پیشنهاد کردیم.

5- یادمان نرود که 30 درصد صنایع آمریکا، 84 درصد صنایع ژاپن، بیش از 80 درصد صنایع اروپای غربی وابسته هستند به نفت خلیج فارس. وابسته به 14 تا 16 هفته نفت خلیج. یعنی اگر نفت خلیج قطع بشود در حدود 80 درصد صنایع اروپا و ژاپن می خوابد.

6- مناسبات میان احزاب کمونیست اینگونه است که در امور داخلی هم مداخله نکنند. ما هم این امر را در ارتباط با حزب حاکم در افغانستان مراعات می کنیم و در عین حال از حکومت خودمان سنوال می کنیم که آیا جبهه اصلی انقلاب ما جبهه علیه دولت کنونی افغانستان است؟ این اشتباهی بزرگ نیست که دشمن اصلی یادمان برود و جهت تمام مبارزه را برگردانند به طرف یک رژیم می که او هم علیه امپریالیسم دارد مبارزه می کند؟

7- آنچه که درباره منحل اعلام کردن حزب دمکرات کردستان ایران می توانیم بگوئیم اینست که البته نمی تواند یک حزبی هم علیه دولت مبارزه مسلحانه کند و هم حزب علنی باشد. اما در عین حال با منحل اعلام کردن یک حزب، آن حزب منحل نمی شود. حزب توده ایران در این مورد رکورد را شکسته است. چندین سال منحل بود ولی منحل نشد.

8- نخستین جبهه ائتلافی در ایران، پیش از یورش به دولت خود مختار آذربایجان و کردستان با حضور حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، فرقه دمکرات آذربایجان ایران و حزب ایران و حزب جنگل متعلق به ملیون گیلان بوجود آمد.

توضیح:

آیت الله آذری قمی، (که در این مصاحبه از او نام برده می شود) دادستان وقت انقلاب تهران، اولین دستور یورش به دفتر حزب توده ایران و توقیف "مردم" ارگان مرکزی آن را صادر کرد. او که به دستور آیت الله خمینی برکنار شد، اسدالله لاجوردی که سایه به سایه آذری قمی حرکت می کرد جانشینش شد. آذری قمی بعدها، برای سازمان دادن مخالفان آیت الله خمینی و دولت موسوی بنیانگذار بنیاد رسالت و سردبیر و مدیرمسئول روزنامه رسالت شد و با جسارت مخالف خوانی را در روزنامه رسالت آغاز کرد. متولفه اسلامی و بقیه کسانی که امروز دادگاه ویژه

روحانیت، هدایت مجلس خبرگان، قوه قضائیه و شورای نگهبان را در اختیار دارند و پس از 7 سال ایستادگی در برابر اصلاحات مجلس فرمایشی هفتم را تشکیل داده اند را زیر یک سقف جمع کرد. پس از درگذشت آیت الله خمینی، هوای رهبری به سرش زد و از جمع مافیایی که اکنون حکومت را در اختیار دارد کنار زده شد و به قم بازگشت. پس از انتخابات دوم خرداد، یکبار دیگر مخالف خوانی را آغاز کرد. آیت الله جنتی و آیت الله یزدی به عنوان سخنگویان مافیایی قدرت گفتند " برای یک دستمال، می خواهد قیصریه را به آتش بکشد؟". آرام نگرفت، سهمش از قدرت پس از آیت الله خمینی را می خواست. هم زمان با یورش به خانه آیت الله منتظری، به خانه او نیز در قم حمله کردند. در این حمله سخته کرد و تا زمان در گذشت در حصر خانگی ماند!

صبح دوشنبه 16 مهر ماه 1358 (پس از نخستین یورش به دفتر و جلوگیری از انتشار "مردم" ارگان مرکزی حزب و گشایش دوباره دبیرخانه حزب و آغاز فعالیت قانونی و علنی حزب توده ایران) در محل دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران داخلی و خبرگزاری های خارجی تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از ابراز تشکر از حاضران به پرسش های خبرنگاران درباره مسائل گوناگون اوضاع کشور پاسخ گفت و مواضع حزب توده ایران را تشریح کرد. متن کامل سخنان رفیق کیانوری در این کنفرانس مطبوعاتی در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد.

رفیق کیانوری در مورد آزادی فعالیت حزب توده ایران گفت :

همانطور که دوستان می دانند ما پس از یک وقفه چند هفته ای که یک دوران پر تلاطم و بحرانی از زندگی بعد از انقلاب ما را در بر می گیرد دو مرتبه فعالیت علنی حزب را آغاز کردیم. خوشحال هستیم که در این دوران همه نیروهای راستین طرفدار انقلاب ایران به این مسئله توجه کردند که تصمیماتی که دادستان سابق انقلاب مرکز درباره حزب توده ایران و به خصوص روزنامه مردم گرفته بود بکلی بی پایه و نادرست بوده و حتماً روی نظریات خاص گروه های مخصوصی که در مراجع معینی از قدرت قرار گرفته بودند این تصمیمات اتخاذ شده بود. پس از بررسی دقیق و همه جانبه و علیرغم تمام کوششی که گروه های مخصوصی می کردند برای اینکه جلوی این تصمیم گرفته شود بالاخره رهبری انقلاب تصمیم گرفت که به تقاضای ما برای فعالیت آزاد حزب توده ایران پاسخ مثبت دهد.

البته این آغاز کار است و اینطور نیست که ما بتوانیم در سراسر ایران از همان آزادی محدودی که در تهران موجود است استفاده کنیم. در شهرستان ها وضع اصلاً اینطور نیست. در آنجا تقریباً محدودیت ها به شکل سابق خودش موجود است و با تفاوت بستگی دارد به مقامات محلی. بعضی جاها خشونت آمیز است، بعضی جاها ملایم تر و معتدل تر است، ولی در مجموع خودش هنوز محدودیت ها باقی است. در بسیاری از شهرها کلوب های حزب توده ایران غارت شده یا بسته شده یا حتی بکلی گرفته شده است. مثلاً در تبریز خانه حزب را گرفته اند و جبراً به کس دیگر اجاره داده اند تا ما دوباره نتوانیم از آنجا استفاده کنیم. در بعضی جاها کلوب های حزب را سوزانده و همه چیز را از بین برده اند و در بعضی جاها به تناسب اعتدال مقامات محلی روش ها خشونت آمیز نبوده است و فقط از فعالیت علنی آزاد جلوگیری کرده اند و با اینکه محدودیت هایی بوجود آورده اند ما کوشش خواهیم کرد که فعالیت حزب را در سرتاسر ایران بطرفی ببریم که در همه جا بتوانیم از قانون حزب که اکنون محرز شده است و ایرادی به آن نیست استفاده کنیم و فعالیت آزاد حزب را تعمیم دهیم. البته کمک مطبوعات ایران به ما از این جهت اهمیت دارد. **ما از روزنامه هایی که در دوران توقیف مردم با درج هرچند به اختصار بیانیه های حزب ما صدای ما را به مردم ایران رساندند عمیقاً تشکر می کنیم.** این وظیفه دمکراتیک همه طرفداران آزادی است و امیدواریم که در مبارزه آینده ما برای بسط اصول دمکراسی و بسط انقلاب باز هم از همین پشتیبانی مطبوعاتی که امکان انتشار علنی دارند برخوردار باشیم.

دعوت کنونی هم از دوستان مطبوعاتی برای آنست که نظریات حزب را در مرحله جدید به اطلاع شما برسانیم تا شاید یک بار دیگر تلاش ما برای ایجاد جبهه وسیع تری از همه نیروهای راستین هوادارانقلاب ایران از راه مطبوعاتی که امکان انتشار دارند به اطلاع مردم برسد. این در حقیقت باز هم درخواست کمی است از مطبوعات.

### حزب توده ایران از محتوی اساسی انقلاب ایران با تمام نیرو پشتیبانی می کند

رفیق کیانوری در مورد پشتیبانی حزب توده ایران از محتوی اساسی انقلاب ایران گفت: همانطور که ما در اولین مصاحبه ای که در همین جا با دوستان مطبوعاتی خودمان انجام داده ایم گفته شد حزب ما با تمام نیرو از محتوی اساسی انقلاب واقعاً حماسه ای ایران، که چهار اصل و چهار عنصر در آن وجود دارد با تمام نیرو پشتیبانی می کند. این چهار عنصر اساسی انقلاب ایران عبارت بودند از:

- 1- از بین بردن تسلط غارتگرانه امپریالیسم در ایران،
- 2- پایان دادن به رژیم آدمکش ساواکی و غارتگر سلطنتی دودمان پهلوی،
- 3- تأمین آزادی های دموکراتیک برای مردم ایران و تغییرات بنیادی برای بهبود زندگی میلیون ها مردم غارت شده یعنی زحمتکشان یا باصطلاحی که امام خمینی گفته است مستضعفین.

این چهار عنصر انقلاب ایران منطبق است با هدف هایی که حزب توده ایران برای یک تحول بنیادی در جامعه ایران درپیش گرفته. حزب ما با تحلیل خودش با برداشت علمی خودش از اوضاع ایران به این نتیجه رسیده است که این چهار عنصر کاملاً تطبیق می کند با نظریات ما. به همین جهت هم ما با در نظر گرفتن این محتوی انقلاب ایران صد در صد از آن پشتیبانی می کنیم. ما آماده هستیم با همه نیروهایی که به این چهار عنصر با هر برداشتی که از لحاظ فلسفی و ایدئولوژیک نسبت به مسائل دارند همکاری کنیم و برای همین منظور هم پیشنهاد جبهه متحد خلق را کردیم که در شماره دوم روزنامه مردم منتشر شده ما یک برنامه دقیق اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد کردیم برای اینکه بتواند مورد توافق همه قرار گیرد. ما این برنامه را از روی خیال خودمان تنظیم نکردیم، بلکه با تحلیل کلیه نظریات گروه های مختلف اجتماعی که در ایران برای انقلاب فعالیت می کردند به این نتیجه رسیدیم که واقعاً این برنامه می تواند در حد متوسط مورد پذیرش همه این گروه ها قرار گیرد. از هواداران انقلاب ایران که زیر رهبری امام خمینی، زیر پرچم ایدئولوژی مذهبی مبارزه می کردند تا حزب توده ایران که طرفدار سوسیالیسم علمی است و در چارچوب جهان بینی طبقه کارگر به مسایل نگاه می کند و برداشت اجتماعیش از این جهت است. ما معتقد هستیم که این برنامه چیزی نیست که هواداران راستین انقلاب ایران بتوانند روی آن با یکدیگر مخالفت بکنند. ما خوشوقتیم از اینکه تا به حال هم از هیچ طرفی نسبت به این برنامه ای که ما پیشنهاد کرده ایم ایرادی گرفته نشده است که بگویند این نکته که شما برای جبهه متحد خلق پیشنهاد کرده اید اشتباه آمیز است، عیب دارد، کم است، زیاد است و غیره بلکه اگر ما به تمام روزنامه های مختلف نگاه کنیم مثل خط قرمزی این خواست هایی که ما در این برنامه تنظیم کرده ایم صرفنظر از نکات غیر تعیین کننده بین تمام آن نیروهایی که خودشان را واقعاً طرفدار انقلاب می دانند مشترک است. حتی آن هایی که ما معتقدیم ظاهر سازی می کنند، نمی توانند چیزی غیر از این برنامه را ارائه دهند و بگویند که این برنامه نادرست است و اینجا غلط است و باید غیر از این کرد. مگر آن هایی که جهات افراطی مسئله را می گیرند که ما معتقدیم آن ها انقلاب ایران را در مرحله کنونی درست درک نکرده اند. البته اگر با حسن نیت باشند.

آن هایی که بدون حسن نیت اند و شعارهای افراطی می دهند برای تحریک و تهییج آن مسئله دیگری است و ما به جای خود آنرا مورد بحث قرار می دهیم .

این محتوای انقلاب ما، این چهار عنصر که گفتیم اولش عبارت است از مبارزه ضد امپریالیستی یعنی ریشه کن کردن بساط امپریالیسم باید در تمام آن جاهایی باشد که امپریالیسم ریشه های اصلی خودش را دوانده است. اگر این مبارزه به طور همه جانبه علیه امپریالیسم نشود، این مبارزه ناقص و معیوب باشد در آخرین تحلیل خطرناک است و می تواند منجر به **شکست** شود. این پایه های اصلی امپریالیسم در ایران عبارت بودند از: اول ارتش - دوم نفت - سوم مجموعه اقتصاد وابسته به امپریالیسم و چهارم فرهنگ ما - فرهنگی که به معنای کامل وابسته بوده. اگر مبارزه ضد امپریالیستی در این چهار میدان با هماهنگی و در یک جبهه عمومی پیش نرود دچار نقائص بسیار جدی خواهد شد و این خطرناک است.

ما معتقدیم که در این زمینه دولت انقلاب اسلامی در اینجا و آنجا اقدامات موثر انجام داده، اقداماتی که چشمگیر هم هست. این ها دستاوردهای بزرگ انقلاب ماست که الان ما به آن افتخار می کنیم ولی **نقائص جدی در اینجا و آنجا** وجود داشته و دارد که پیشرفت کار انقلاب را کند کرده و کند می کند. و این جلوگیری می کند از اینکه ما بتوانیم از این جنبش عظیم انقلابی که در دنیا اینقدر احترام پیدا کرده است بزرگترین بهره گیری را در کوتاه ترین مدت بکنیم. این آنجایی است که **با دستگاه رهبری دولت جدا اختلاف نظر داریم** یعنی معتقد هستیم که می باید اقدامات همه جانبه تر، پی گیرتر، سریع تر و قاطع تر انجام بگیرد و به ضد انقلاب امکان داده نشود برای اینکه بتواند از کوتاهی ها، نقایص، اشتباهات و عدم پی گیری استفاده بکند و نیروهایی را دور خودش تجهیز بکند. آن چیزی که ما امروز شاهدش هستیم که ضدانقلاب می تواند چنین کاری را انجام دهد و در جاهای مختلف انجام هم داده است .

در زمینه مبارزات ضد امپریالیستی ما معتقدیم که این کار می بایستی هماهنگ باشد یعنی اقدامات مثبت بنیادی در ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم در این چهار میدان باید توأم باشد با مبارزه فوق العاده جدی و قاطع علیه تحریکاتی که امپریالیسم و صهیونیسم در ایران انجام می دهند. برای این که مسلم است که امپریالیسم از همان روز اول و حتی قبل از انقلاب تدارک این تحریکات را دیده بود و همیشه دنبالش بوده و خواهد بود. امپریالیسم در اثر انقلاب ایران شکست بزرگی خورده و این شکست را به آسانی حاضر به پذیرفتنش نخواهد بود و سعی خواهد کرد که مواضع خودش را دو مرتبه به دست آورد، یا لاقلاً از عقب نشینی های بیشتری جلوگیری بکند و روند پیشرفت انقلاب ایران را کند سازد. این را به چه وسیله انجام می دهد؟

به وسیله انواع و اقسام تحریکات. میدان بزرگ تحریکات امپریالیسم یکی عبارت بود از دستگاه دولتی یعنی کند کردن کار به وسیله عناصری که در تمام این نظام اداری دولتی داشته است. نظامی که تقریباً به جای خودش باقی مانده است. دوم عبارت است از عدم رضایت مردم از تنگناها از کمبودها و تحریک مردم در این زمینه ها که ما می بینیم. سوم که یک مسئله فوق العاده است مسئله ملی است، محرومیت های ملی در دوران طاغوت است. در این سه میدان است که ما معتقدیم که به علت کوتاهی و فقدان قاطعیت دستگاه حاکمه کنونی و دولت، امپریالیسم موفق شده است که تحریکات وسیعی براه بیاندازد. ما اکنون شاهد این تحریکات در تمامی زمینه ها هستیم.

ما می بینیم که در زمینه کم کاری اینقدر این مسئله حاد شده است که رهبری انقلاب مرتباً بایستی اعلامیه بدهد رهنمود بدهد و حتی تهدید کند که این هایی که در ادارات کم کاری می کنند یا خرابکاری می کنند و یا جلوگیری می کنند از اجرای تصمیمات این ها را باید جلویش را گرفت. ولی اینکار نمی شود مگر با یک تصفیه وسیع در دستگاه دولتی از کلیه عناصر واقعاً وابسته به رژیم گذشته. چون رژیم گذشته این دستگاه را برای منافع خودش

ساخته بود. برای تسلط امپریالیسم ساخته بود. برای غارت مردم ایران ساخته بود. این دستگاهی بود به نفع امپریالیسم، به نفع سرمایه داران بزرگ، به نفع حکومت سلطنتی. این دستگاه دست نخورده و با یک من بمیرم و تو بمیری عوض نمی شود. با این که افراد بیایند بگویند که ما طرفدار نظام جمهوری اسلامی هستیم و طرفدار نظام توحیدی هستیم و طرفدار خلق هستیم و طرفدار زحمتکشان هستیم که ماهیت اکثریت این افراد عوض نمی شود. بسیاری از این افراد از پست مدیر کل و رئیس اداره و رئیس دایره با تغییر شکل و عوض کردن قیافه و حتی به قول یکی از رهبران دینی با گذاشتن ریش و گرفتن یک تسبیح شده اند طرفدار اسلام و خیلی هم پر حرارت تر از مسلمین واقعی ولی این ها در جهت نادرست عمل می کنند.

پس تصفیه واقعی دستگاه دولتی یکی از حربه های انقلاب است و به عقیده ما دولت انقلابی در این زمینه خیلی کم کاری می کند. خود نخست وزیر بالاخره مجبور شد اعتراف بکند که ما تصور می کردیم می آیم همان دستگاه را به کار می اندازیم برای این که حالا در جهت خوب کار کند. ولی در عمل مجبور شد اعتراف کند که این دستگاه همین طوری به نفع یک رژیم مقابل خودش کار نمی کند. این دستگاه باید تصفیه عمیق شود و عناصر ناصالح و عناصر وابسته از آن بیرون رانده شوند و عناصر صالح بیایند. در جریان این تصفیه که انجام می گیرد **زیاده روی های** فوق العاده نادرستی هم انجام می گیرد.

تصفیه اکنون به این شکل نمی شود که چه کسانی اکنون دشمن انقلابند و باید بروند و چه کسانی هواداران انقلاب اند و باید بمانند. در بسیاری از جاها تصفیه به این شکل انجام میگیرد که تو **مسلمان متعهد** ظاهر ساز هستی یعنی ساعت 10 صبح می روی نماز بخوانی یا نه؟ و اگر نه تو دیگر به درد نمی خوردی باید بروی در صورتی که به عقیده ما تصفیه به این شکل در جامعه روشنفکری در قشر روشنفکری که سازمان اداری و دولتی ایران را اداره می کند ضررهای فوق العاده زیادی می تواند ببار آورد. دستگاه دولتی از بخشی از کادرهای فنی با ارزش که طرفدار انقلاب اند ولی دارای جهان بینی دیگری هستند طرز تفکر دیگر دارند و حتی مسلمان هستند، ولی آن طور که **قشربون می خواهند** نیستند محروم خواهد شد. در دفتر کادر علمی و فنی که ما در ایران یعنی یک کشور وابسته داریم محروم شدن از این قشر ضرر جبران ناپذیری است که بکلی می تواند کار سازندگی را در ایران فلج کند. ما در این قسمت هم با دولت و با قدرت حاکمه جدا اختلاف نظر داریم و این را در بیانیه ها و نامه های سرگشاده خودمان و در برخوردهای خودمان گفته ایم. به این ترتیب به عقیده ما کار مبارزه با امپریالیسم کار تصفیه دولتی، کار ریشه کن کردن پایه های اقتصادی امپریالیسم در تمام زمینه ها، یعنی در تمام اقتصاد، در تجارت خارجی، در تولید اجتماعی، در نفت، در مناسبات بانکی و ارزی می بایستی قاطع تر، سریع تر و با پی گیری بیشتری انجام می گرفت. ولی متأسفانه باید بگوییم که در تمام این قسمت ها در عین حال که اقدامات انجام شده جنبه های مثبتی داشته است ولی از پی گیری لازم برخوردار نبوده است و ما الآن نقایص آن را می بینیم. نمونه اش عبارت از همین مسئله ای است که در نفت پیش آمد و سیاست آقای **نزیه**. سیاست آقای نزیه از اول مورد انتقاد ما بود. در نفت سیاست عدم تغییر در وابستگی نفت به امپریالیسم اجرا می شد و ریشه کن کردن همه تسلط امپریالیسم مطرح نبود و مسئله به بن بست رسیده است که ما الآن شاهدش هستیم.

در مسئله ارتش ما اظهارات دوران اخیر را که درباره تصفیه ارتش به طور وسیع از رده های بالا به رده های پائین در شرف انجام است، با خشنودی استقبال کردیم ولی منتظر هستیم که در عمل این گفته با واقعیت تطبیق کند، چون اگر در عمل تطبیق نکند و اگر باز هم در آنجا هم مسئله تصفیه به صورتی انجام بگیرد که گروه های خاصی از افسران، که دارای ویژگی های ایدئولوژیک فکری معینی نیستند ولی طرفدار جدی انقلاب ایران هستند تصفیه شوند و طاغوتی ها و هواداران سیاست آمریکا و وابسته های آن با تغییر شکل

خودشان و با دم زدن از اسلام به جای خودشان باقی بمانند این درست نیست و زیان بخش است .

### هجوم راست گرایان به آزادی های دمکراتیک خطری است که هنوز وجود دارد

رفیق کیانوری در مورد هجوم راست گرایان به آزادی های دمکراتیک گفت:

در مسئله آزادی های دمکراتیک با کمال تأسف باید بگوییم که به کار دولت و دادستانی انقلاب و مقاماتی که قدرت را در دست دارند ایرادات زیادی وارد است. تا قبل از حوادث کردستان ما به روند کلی تامین آزادی های دمکراتیک در ایران ایراد اساسی و اصولی نداشتیم و معتقد بودیم که مطابق همان تعهدات کلی که رهبر انقلاب قبل و بعد از انقلاب کرده بود و وعده هایی که درباره تامین آزادی فکر، نوشتن، بیان، تظاهرات و ابراز عقیده داده شده بود، این آزادی ها در چهار چوب ممکن حفظ می شد ولی این تعهدات با آغاز **حوادث کردستان** و یک **حمله ناگهانی و غیر منتظره** ای که **به این آزادی های دمکراتیک** انجام گرفت نقض و محدود شد. این حمله بکلی قیافه جدیدی را برای انقلاب ایران به صحنه آورد. ما در همان آغاز در نامه ای که به رهبری انقلاب نوشتیم نگرانی خودمان را در مورد گرایشی که پیدا شده است اعلام کردیم. ما در بیانیه کمیته مرکزی درباره وضع کنونی کشور، تمام این گرایش جدید را تجزیه و تحلیل کردیم. اگر دوستانی هستند که این بیانیه به دستشان نرسیده است، اینجا هست و می توانند بردارند. ما خیلی علاقه مند هستیم که کسانی که به آزادی ایران به آینده انقلاب ایران علاقه مند اند این نظریات ما را که خیلی با دقت بیان کرده ایم بخوانند. ما آماده هستیم که درباره هر قسمت از این بیانیه با هر گروه و هر دسته ای بحث تفصیلی کنیم. **ما معتقدیم که در ایران یک حمله جدی از طرف گروه های راست برای محدود کردن آزادی های ایران آغاز شده.** این حمله قبل از حوادث کردستان شروع شده بود. حوادث کردستان این حمله را به یک مرحله عملی تازه ای انداخت و خیلی تند کرد. این جریانی بود که راست گراها کوشش می کردند آن را ایجاد کنند. این حمله در تمام زمینه ها انجام گرفت. نه فقط در زمینه محدود کردن آزادی مطبوعات یعنی توقیف کردن روزنامه ها، آن هم نه تنها روزنامه هایی که انقلاب معتقد است که این ها ضد انقلاب هستند یا با ضد انقلاب وابستگی هایی دارند، بلکه بخشی از روزنامه هایی هم که جدی هواداری از انقلاب می کردند توقیف شدند. بلکه برنامه ای بود برای یک **چپ کشی** که در جامعه ایران آغاز شد و حتی به اعدام افرادی در بعضی از شهرستان ها منجر شد که کوچکترین تقصیری نداشتند تا جایی که حتی حاکم شرع کرمانشاه گفت یکی از اعدام شدگان جرمش این بود که وقتی اعدامش می کردند فریاد می زد « زنده باد حزب توده ایران ». این می شود جرمی که در جمهوری اسلامی با آن یک نفر را اعدام بکنند؟ وی گفته است که من **(آذر نوش)** عضو حزب توده ایران هستم و سیاستم هم دفاع از انقلاب اسلامی است و به این هم افتخار می کنم و بعد گلوله را هم که خورده فریاد زده « زنده باد حزب توده ایران ». به این جرم افرادی را کشته اند. یا کار به اینجا می رسد که در کردستان به یک دهکده ای برسند که 65 یا 68 نفر یا جای دیگر مجموعاً 72 نفر زن و بچه و پیرزن را شکم پاره کنند و با تیر بزنند و بکشند. **راست گرایان** از این حوادث به حد اعلاي مخالف کشی بهره برداری کردند. خوشبختانه رهبری انقلاب در لحظه حساس به عواقب فوق العاده خطرناک چنین گرایشی پی برد و مقاومت عمومی که در مقابل این گرایش ایجاد شد هم در مطبوعات موجود و هم افکار عمومی جلوی این حمله وحشیانه عناصر افراطی راست را گرفت و **فعلاً** آن را کنده کرده است. ولی به نظر ما **این خطر به هیچوجه در جامعه از بین نرفته** است. این خطر به معنای کامل وجود دارد زیرا **عناصر فکری اجتماعی و عینی اش وجود دارد.**

لذا ضدانقلاب هم از این گرایش فوق العاده خشنود است و عوامل خودش را به داخل این گروه های افراطی راست می فرستد و کوشش می کند این ها را تجهیز و تحریک کند تا

به اقدامات خطرناک شرایط اجتماعی را حادثر کنند و امکان کوشش عقلانی را برای حل مسایل انقلاب تنگ تر کنند یا اصلا غیرممکنش بکنند، یا اصلا هرج و مرج را هرچه ممکن است توسعه بدهند .

در اینجا به عقیده ما عوامل راست تا آنجا پیش رفتند که به دستور دادستان سابق انقلاب تهران، آقای **آذری قمی**، کلوب مرکزی حزب توده ایران را که هیچ دلیل علیه اش وجود نداشته مهر و موم کردند. به این ترتیب توقیف روزنامه مردم با جلوگیری از فعالیت علنی حزب توده ایران توأم شد بدون این که هیچ رای قانونی در باره اش وجود داشته باشد. یعنی خود دادستان سابق تهران هم رای نداده بود ولی عملاً دستور داده بود که این کار را بکنند. وقتی هم که ما مراجعه می کردیم چرا جلوی کلوب حزب توده ایران را گرفته اید می گفتند حزب غیر قانونی نیست. دولت هم رسماً به ما گفت که حزب توده ایران غیر قانونی نیست ولی عملاً تنها خانه ای را که ما توانسته بودیم در تهران پیدا کنیم بسته بودند. در تمام شهرستان ها هم ریخته بودند و تمام کلوب ها را غارت کرده بودند و یا دادستانی ها درشان را مهر و موم کرده بودند، بدون هیچ حکم و هیچ اختاری که آقا کلوب حزب توده ایران را تعطیل کنید. به این ترتیب ما این را به عنوان هجوم عناصر راست تلقی کردیم و به همین جهت هم از همان روز اول صدای اعتراض خودمان را بلند کردیم و چون این اعتراض ما خیلی به حق بود و هیچ دلیلی هم پیدا نشده بود به این اعتراض ترتیب اثر داده شد و در شورای انقلاب این مسئله مطرح شد و به **رهبری انقلاب** کشیده شد و بالاخره این محدودیت از کار حزب ما برداشته شد. ما از این جریان خوشوقتیم و آن را نه فقط به این عنوان نگاه می کنیم که محدودیت از حزب توده ایران برداشته شده، بلکه به این عنوان نگاه می کنیم که محدودیت فعالیت علنی از حزب توده ایران برداشته شده یعنی حزبی که دارای موضع گیری معین مشخص و بدون تزلزل سیاسی و اجتماعی است. ما این را به عنوان یک پدیده مثبت در تحول انقلابی دوران اخیر نگاه می کنیم. زیرا فعالیت حزب ما و برنامه ای که برای انقلاب پیشنهاد می کنیم نتوانسته است مورد ایراد قرار بگیرد که این به ضرر انقلاب ایران است. از این نظر ما خیلی خوشحال هستیم و امیدواریم که این مقدمه همکاری وسیع تری ما بین تمام نیروهای هوادار راستین انقلاب ایران قرار گیرد. ما آنقدر خوشبین نیستیم که جبهه متحد خلق همین فردا یا پس فردا یا چهار ماه دیگر به طور علنی تشکیل شود ولی ما فکر می کنیم که جبهه متحد خلق گاهی اوقات می تواند در عمل به وجود آمده باشد، بدون این که روی کاغذ آمده باشد، بدون این که اعلام شده باشد. در عمل نیروهای اصیل انقلابی در یک کشور می توانند در یک جهت عمل بکنند و عمده عمل آن ها در جهت اصلی مورد توافقشان باشد. ما بدون اینکه سینه برادری را هم به طور رسمی در محاضر خوانده باشیم برادریم.

### **مسئله ملی باید از راه مسالمت آمیز و تامین حقوق ملی خلق های ایران حل شود**

رفیق کیانوری در مورد مسئله ملی و از جمله مسئله کردستان گفت :  
« آنچه ما الان فکر می کنیم اینست که انقلاب ایران در یک مرحله فوق العاده حساس خودش قرار گرفته است . در این مرحله گره های خیلی سختی وجود دارد که این گره ها با اقدام و فعالیت دسته جمعی و متحد نیروهای انقلاب راستین هوادار انقلاب می تواند حل شود .

یکی از گره های مهم عبارتست از مسائل ملی و وضعی که در **کردستان** و در **خوزستان** به وجود آمده و همان طور که ما در بیانیه کمیته مرکزی بیان کرده ایم، بعید نیست که در **بلوچستان** و در جاهای دیگری هم که مسئله ملی مطرح است بوجود آید. از همان آغاز در یکی از مواد برنامه ما برای تشکیل جبهه متحد خلق که پس از انقلاب بلافاصله مطرح کردیم ما به مسئله ملی که برای اقلیت های ملی غیر فارس وجود داشت توجه دادیم و اهمیت حل این مسئله را بر مبنای عقلانی احترام متقابل خلق ها به همدیگر و درچار چوب

خودگردانی متذکر شدیم - لغت خود مختاری را که بعضی ها آلرژری دارند می خواهیم عوض کنیم و بگذاریم **خودگردانی** از طرف آقای فروهر رهبر حزب ملت ایران استعمال شده و تا آنجا که ما می دانیم شاید هم قبلا دوستان دیگری آن استعمال کرده اند - ما حاضریم آن را بپذیریم . ولی در هر حال به اصل مسئله باید توجه کرد نه به کلمه. در چارچوب خودگردانی یعنی حق تعیین سرنوشت در زمینه فرهنگی و در زمینه اداره منطقه خود، در چارچوب مرکزیت دولتی، در چارچوب تمامیت کامل و بدون خدشه ارضی ایران، در چارچوب وحدت ملی ایران. این حقوق باید به این اقلیت ها داده بشود. باید به آن ها اجازه داده بشود که از زبانشان، از آداب و رسم ملی و از ویژگی های ملی شان بتوانند به طور مساوی با تمام خلق های دیگر ایران بهره برداری کنند. این مشکل را آیت ا... طالقانی که ما با تاجر و تاسف فقدانش را همیشه به یاد می آوریم در همان ابتدا با آن برخورد فوق العاده انسانی که داشت خوب برخورد کرد و خوب فهمید که این مسئله یک دُملی است، یک زخمی است که صدها سال است وجود دارد. **خلق کرد** الان درست **109 سال** است که دارد برای این خواست ها می جنگد. خون می دهد. این دُمل، این زخم را باید التیام داد. باید راه حلی پیدا کرد که این خصومت و دشمنی تبدیل بشود به دوستی خلق ها، به اتحاد داوطلبانه خلق هایی که با هم زندگی می کنند. این راه را ما همان اول پیشنهاد کردیم. متأسفانه فقط بخشی از رهبری انقلاب این راه را درک کرد. کوشش کرد، تلاش کرد، ولی ظاهراً نه فقط ندای ما به جایی نرسید، بلکه حتی رهبرانی چون طالقانی و دیگران هم نتوانست تاثیر قاطع در حل این مسئله بکند و متأسفانه وضعی پیش آمده است که الان می بینیم.

حل نظامی مسئله تا حالا ده بار آرامش قبرستانی در کردستان ایجاد کرده است و نه فقط در کردستان ایرن بلکه در کردستان ترکیه، در کردستان عراق در هر جایی که مسئله ملی مطرح بوده است. آرامش گورستان می شود برقرار کرد به وسیله راکت و فانتوم و تانک و توپ، به وسیله قتل عام زن و بچه در **قارناها** و جاهای دیگر ولی مسئله اساسی اجتماعی که در آنجا مطرح است اینطوری **حل شدنی نیست**.

این مسئله فقط با تفاهم بین خلق ها ممکن است. تاریخ تمام دنیا این مسئله را ثابت کرده است. نه یک بار، نه دو بار، صدبار، هزار بار ثابت کرده است.

اینست که ما در این مسئله با تمام وزنه سیاسی از همه می طلبیم که به این مسئله توجه کنند و از همه روزنامه ها می خواهیم که برای حل مسألت آمیز و عادلانه مسئله کردستان که الان به **یک گره مهم در راه پیشرفت تمام جنبش انقلابی** ما تبدیل شده و اگر حل نشود به نقاط دیگر هم سرایت خواهد کرد و الان هم در خوزستان شروع شده است، پا فشاری کنند و ضد انقلاب از این جریان فوق العاده می تواند استفاده بکند. ضد انقلاب برای ایجاد تحریکات در آنجا بخش بزرگی از کادرش را متوجه این نقاط کرده است. ضد انقلاب می خواهد مردم را بیاندازد توی حادثه جویی، توی کارهای نادرست نظامی و سیاسی، برای آن که بتواند از آب گل آلود ماهی به نفع خودش بگیرد و جمهوری اسلامی ایران را قدرت مرکزی را که در راه های مثبت باید قدم بردارد و ادار کند به این که پولی که باید برای بهبود وضع زحمتکشان ایران مصرف شود و دوباره به مصرف تانک و توپ ساخت امریکا برسد. یعنی بازار خرید اسلحه دوباره با این طور چیزها گرم خواهد شد. ما معتقد هستیم که با تمام قوا باید برای پیدا کردن راه حل سیاسی - اجتماعی برای **کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، آذربایجان** و سایر مناطق که در آنجا نیز این مسئله ممکن است شروع بشود تلاش کرد. باید در چارچوب قانون اساسی حقوقی را تامین کرد. باید به این خلق ها امید داد که برای خواست های حقه شان گوش شنوا هست. در عمل بایستی با قدم های مثبت این خواست ها برآورده شود. باید این وضع کنونی که وضع تشدید دشمنی و خصومت روز افزونی است تغییر بکند. با هر کردی که در کردستان به خون بیفتد و با هر پاسداری که از اصفهان به کردستان برود و در آنجا کشته شود خانواده های بزرگ در خصومت آشتی ناپذیر با هم، گرم

تر و شدید تر خواهد شد. باید به ضد انقلاب امکان ندهیم که از این راه بهره برداری کند. این است ندای ما به همه مطبوعات و گروه های سیاسی، تلاش همه جانبه برای پیدا کردن راه حل سیاسی. ما خوب می دانیم که ضد انقلاب در کردستان به خصوص نقش فوق العاده موثری بازی کرده است برای آن که به هیجان آوردن کردها با تمام سنت طولانی شان با نبردی که در دوران سابق، دوران رضا خان در ایران می کرده اند، در دوران طولانی در ترکیه می کرده اند. در دوران طولانی در عراق می کرده اند. برای گرفتن حق خودشان یک مسئله تاریخی است. به همین دلیل هم امپریالیسم با پالیزبان ها، با زاهدی ها، با عده زیادی از عناصر وابسته خودش در کردستان از همان آغاز شروع کرد به فعالیت برای آتش افروزی کردن. متأسفانه رهبر انقلاب از همان آغاز نتوانست خلق کرد را با دادن یک سلسله وعده های عملی، وعده هایی که آن ها مطمئن شوند به طرف پشتیبانی کامل از انقلاب و هماهنگی با تمام انقلاب بکشاند. این باعث شده است که ضد انقلاب در آنجا امکان نفوذ و فعالیت پیدا بکند.

الان وضع بغرنجی در کردستان پیدا شده، زیرا دیگر اصلاً قیافه ضدانقلاب را به این آسانی نمی توان پیدا کرد که در کجا دارد عمل می کند. همه چیز با هم مخلوط شده. واقعیت این است که می دانیم که عده زیادی از افسران گارد در آنجا دارند عمل می کنند. معلوم نیست این پاسداری که شب کشته می شود به دست کی کشته می شود؟ ساواکی است که او را می کشد یا کرد واقعی متعصب است یا نماینده پالیزبان و یا اصلاً عامل خارجی است که این کارها را انجام می دهد؟ به همین دلیل ما معتقد هستیم که در مسئله کردستان با راه حل سیاسی باید جبهه ها را فوری از هم جدا کرد، خلق کرد را جدا کرد از ضد انقلاب. چون اگر به خلق کرد برای خواست های حقه اش اطمینان داده شود او بلافاصله از ضد انقلاب جدا خواهد شد و عناصر ضد انقلاب تنها خواهند ماند. آنوقت آن ها را می شود شناسایی کرد. می شود عقیم گذاشت. می شود از بینشان برد. این پیشنهاد ماست و ما حاضر هستیم در این راه هم عملاً وارد فعالیت بشویم. همانطور که در بیانیه کمیته مرکزی حزب درباره مسئله کردستان اعلام کردیم پیشنهاد ما اینست: **آتش بس فوری** از دو طرف و خاتمه دادن به محاکمه های صحرایی و دادگاه های انقلاب در کردستان و کوشش برای آغاز مذاکره با مردم کردستان، با مبارزان برای آغاز مذاکره با مردم کردستان، با مبارزان کرد. برای پیدا کردن راه حل عقلانی برای کردستان.

### توطئه امپریالیسم و صهیونیسم در خوزستان و در خلیج فارس علیه انقلاب ایران

رفیق کیانوری در مورد توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم در خوزستان و در خلیج فارس علیه انقلاب ایران گفت:

مسئله دیگری که هست مسئله خوزستان است که الان شروع شده. این مسئله بدون شک مربوط است به تلاش هایی که الان در خلیج علیه انقلاب ایران انجام می گیرد. تردیدی نیست که در کشورهای دیگر عربی خلیج اکثر رژیم های وابسته به امپریالیسم حکومت می کنند و در مرکز آن ها عربستان سعودی و عمان قرار دارند که دو پایگاه اصلی امپریالیسم در منطقه جنوبی خلیج هستند. و از آن دورتر رژیم سادات که الان تبدیل شده است به ژاندارم دوم به جای حکومت سلطنتی محمد رضای مخلوع. حالا سادات رُل او را به عهده گرفته است و کوشش می کند که با همکاری با اسرائیل پشت این جبهه از خلیج را به نفع امپریالیسم تقویت بکند. حتی دیگر تهدید می کنند به اقدامات مستقیم در کار خلیج.

هدف امپریالیسم کاملاً مشخص است. امپریالیستی که از انقلاب ایران به سایر کشورهای امپریالیسم زده کشورهای وابسته نفت خیز عربی که برای امپریالیسم نفتشان اهمیت حیاتی دارد سرایت کند. لذا قابل فهم است که امپریالیسم کوشش می کند که از نفوذ

انقلاب ایران در آنجا جلوگیری بکند. برای عکس العمل، برای تضعیف انقلاب ایران تا حدی که انقلاب ایران را با شکست روبرو بکند و مواضع گذشته خودش را بدست بیاورد. از این جهت است که سیاست دولت در مسئله خلیج و مسئله خوزستان با یک مسئله فوق العاده و بغرنج سیاسی و نظامی و اجتماعی روبرو است. این را سطحی گرفتن و تصور این که در خوزستان با چند تا خرابکار و چند تا افراطی سرو کار داریم اشتباه بزرگی است. این یک مسئله بغرنجی است. یک نقشه خیلی وسیع امپریالیسم امریکا و صهیونیسم با تمام دستیارانشان در منطقه در شرف تکوین است و این نقشه آن ها را به این آسانی با خوش و بش با این سلطان و با آن امیر نمی شود خنثی کرد. مبارزه با این نقشه را در مجموع مبارزه انقلاب ایران با امپریالیسم باید طرح ریزی کرد و این لازمه اش اتحاد تمام نیروها در داخل ایران تجمع تمام نیروها، هدف گیری صحیح، تنظیم نقشه مبارزه صحیح و استفاده از تمام امکانات جهانی در مبارزه علیه امپریالیسم است. در اینجا است که ما به سیاست مقاماتی در رهبری انقلاب و در دولت نسبت به جهت گیری های نادرستی که در مسایل دیگری مثل مسئله **افغانستان** و غیره در پیش گرفته اند بایستی اشاره بکنیم. ما معتقد هستیم که دشمن اصلی و عمده نه امروز، بلکه برای آینده طولانی تا وقتی که امپریالیسم وجود دارد برای ایران امپریالیسم است. امپریالیسم با تمام نیروی خودش همسایه ماست. در خیلی از کشورهای عربی خلیج. با تمام تجربه های خودش در اقیانوس هند همیشه ما را تهدید می کند. امپریالیسم در منطقه خلیج حساس ترین ضربه را می تواند در تمام زندگیش بخورد. **یادمان نرود که 30 درصد صنایع آمریکا، 84 درصد صنایع ژاپن، بیش از 80 درصد صنایع اروپای غربی وابسته هستند به نفت خلیج.** وابسته به 14 تا 16 هفته نفت خلیج. یعنی اگر نفت خلیج قطع بشود در حدود 80 درصد صنایع اروپا و ژاپن می خوابد. یعنی این خلیج برای امپریالیسم شریان حیاتی است. برای همین است که هرگز در اینجا فشارش برای از بین بردن هر خطری کم نخواهد شد. انقلاب ایران یکی از بزرگترین خطرها برای آن است. آقای کارتر و آقای ونس هر قدر هم که در میهمانی ها سلام علیک بکنند، هر قدر هم که اعلامیه صادر بکنند که ما انقلاب شما را فهمیدیم، اعلامیه آنان درست مثل نطق شاه است که گفت انقلاب ایران از کنار من رد نشده است. و من فهمیدم و من شما را درک کرده ام و من قبول کرده ام و بعد 17 شهریور را به راه انداخت. یعنی امپریالیسم با تمام نیروی خودش در کمین این است که در اولین فرصت ضربه مهلکی به انقلاب ایران وارد کند و برای همین هم دشمن اصلی انقلاب ایران است. عدم توجه به این یعنی یک اشتباه بزرگ یا یک خیانت بزرگ به انقلاب ایران. اشتباه بزرگ برای آن که نفهمند و به این توجه نکنند و سعی بکنند که انقلاب ایران را به جهت دیگری گرایش دهند. ما شاهد این هستیم که در بعضی روزنامه های ما روزنامه هایی که طرفدار انقلاب اسلامی هستند در شماره های متوالی علیه آمریکا یک کلمه نبوده و تمام هدفش افغانستان بوده که خودش برای بیرون آوردن مردم خودش از بدبختی ها دارد می جنگد و تلاش می کند. **آیا جبهه اصلی انقلاب ما علیه افغانستان است؟** آیا این درست است؟ آیا این اشتباه بزرگ هواداران انقلاب ایران نیست که دشمن اصلی یادشان برود و جهت تمام مبارزه را برگردانند به طرف یک مخالف. یک رژیم می که او هم علیه امپریالیسم دارد مبارزه می کند. منتها با یک جهان بینی دیگری، با نظریات دیگری، با برداشت دیگری؟ به این جهت است که ما کلیه مبارزه تحریک آمیز علیه افغانستان را که از جانب محافل خاصی در اجتماع ایران انجام می گیرد به کلی نادرست، خطرناک برای انقلاب ایران، در جهت تضعیف مواضع انقلاب ایران می دانیم. پیروزی ضد انقلاب در افغانستان که رهبریش به دست کسانی است که در دستگاه سلطنتی بوده اند و از آمریکا و دوست آمریکا که پاکستان است سرچشمه می گیرد، به نظر ما تضعیف انقلاب ایران است. به این جهت است که ما در این مسئله بارها این را تاکید کرده ایم و معتقد هستیم که می بایستی تمام کوشش خودمان را علیه دشمن اصلی متوجه کنیم، دشمنی که به بیشترین شکل ما را تهدید

می‌کند. یعنی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم - و حالا که مصر هم به آن‌ها اضافه شده است - به اضافه عمال آن‌ها در کشورهای خلیج. ما نباید نیروی خودمان را پخش کنیم در جهات مختلفی که جبهه ما و ضربه‌های ما را علیه دشمن اصلی تضعیف بکند. ما خوشوقتیم که باز هم در اعلامیه‌های اخیر رهبر انقلاب امام خمینی این جهت‌گیری اصلی که دشمن اصلی ما همان امریکا و اسرائیل است با روشنی و بدون هیچ‌گونه ابهامی تأکید و تأیید شده است. ما خواستمان از همه گروه‌های هوادار انقلاب همین است که در همین جهت‌گیری اصلی و با تمام تأکیدی که امام می‌کند واقعا سیاست خودشان را تطبیق بکنند.

### زحمتکشان باید سهم خود را از ثروت ملی بدست آورند

رفیق کیانوری در مورد بهبود زندگی زحمتکشان گفت:  
مسئله دیگری که مسئله چهارم است مسئله بهبود زندگی زحمتکشان است. در اینجا ما معتقد هستیم که دولت باید این مسئله را حل کند. یعنی واقعا تغییر بنیادی به وجود بیاورد در وضع طبقه کارگر، در استفاده طبقه کارگر از ثروت عمومی کشور و از شیوه و میزانی که او بایست برداشت بکند، از سهم دهقانان زحمتکش در محصولی که به وجود می‌آورند، از این که به چه شکل آن‌ها می‌توانند صاحب کار خودشان بشوند. در این زمینه‌ها به هیچوجه نقشه صریحی وجود ندارد. در مسئله ارضی و کشاورزی، دولت هیچ چیز بنیادی تا به حال پیشنهاد نکرده است. در حالی که دهقانان 60% جمعیت ایران را در بر می‌گیرند. به عقیده ما این که ما برویم در ده به لوله کشتی کمک کنیم و حمام بسازیم و در شرایطی با جهاد سازندگی مدرسه بسازیم، اینها کار مثبتی است کاری است که مورد تأیید است. نمی‌شود از هیچکدام از این‌ها ایراد گرفت. ما هم با تمام قوا از آن پشتیبانی خواهیم کرد، ولی این حل مسئله نیست. مثل این است که ما بگوییم که در مسئله کردستان حالا 400 میلیون تومان بین کردها تقسیم کنیم. خوب بالاخره این از فقر آن‌ها خواهد کاست. 400 میلیون تومان را اگر سرانه بین کردها تقسیم کنیم خوب آب و آبگوشتی، پلویی یک دفعه خواهند خورد ولی این مسئله کردستان را حل نمی‌کند. در مسئله ارضی در مسئله دهقانی، در مسئله کشاورزی هم با این نوع اقدامات که دولت در تمام برنامه‌هایی که اخیرا وزارت کشاورزی مطرح کرد به خودی خود کارهای مثبتی می‌تواند انجام گیرد، ولی این بسیار محدود است و این مطلقاً حل عقب افتادگی روستای ایران نیست. راه حلش عبارتست از اصلاحات کامل ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین. این اول مسئله است. بدون این اصلاح مسئله ارضی ایران قابل حل نیست. دوم عبارتست از کمک‌های همه جانبه دولت برای بالا بردن سطح زندگی و تولید در ده- در درجه اول باز به دهقانان کم زمین و بی زمین، به دهقانان خرده پا و میانه حال. سوم عبارتست از این که ما مسئله کشاورزی را از عقب ماندگی کنونی از راه مکانیزه کردن، از راه استفاده از کود شیمیایی باید از بین ببریم و اصولاً علمی کردن کشاورزی را بایستی عمومی کرد. باید واقعا بتوانیم اصول علمی را به تمام اقتصاد کشاورزی مان تعمیم بدهیم. اگر این سه عمل به ترتیب هم انجام نگیرد مسئله ارضی حل نشده است.

در مسئله بهبود زندگی کارگران و توسعه اقتصاد صنعتی در ایران، هنوز خیلی راه باز است. هنوز به هیچوجه دولت با وجود دو اقدام بزرگی که انجام گرفته، یعنی ملی کردن بانک‌ها و بیمه و ملی کردن صنایع بزرگ و بخشی از صنایع وابسته و مقروض - کار دیگری انجام نداده. تازه این دو اقدام هم وسط زمین و آسمان مانده است. یعنی یک کاری انجام شده ولی این کار ناتمام است و چون ناتمام است هنوز نتیجه اساسی از آن گرفته نشده است. قسمت قابل توجهی از صنایع هنوز به کار نیفتاده. هنوز راه اصلی که این صنایع با چه هدفی به کار بیفتند به سود کارگران و زحمتکشان بکار بیافتد، به سود خلق‌های ایران به کار بیافتد یا نه - هنوز این راه را دولت پیدا نکرده و پیشنهاد نکرده است.

ما پیشنهاد روشنی کردیم. ما پیشنهاد کردیم که واحدهای تولیدی آن هایی که ملی شده و در اختیار دولت قرار گرفته اند در اختیار گروه های مشخص انتخاب شده از طرف کارگران و مهندسين و کارکنان اقتصادی این واحدها که مورد اعتماد هستند قرار بگیرند. این ها با اختیارات کامل با استفاده از کمک هایی که دولت به آن ها می کند با استفاده از مدیریت دولت که حق دارد این مدیریت را داشته باشد، با تمام ابتکارات خود در به راه انداختن این واحدهای تولیدی کارکنند.

ما عقیده داریم که این راه یگانه راه است و برای این کار حتی حاضر هستیم نمونه هایی را دولت به ما بدهد تا ما نشان بدهیم که این امکان دارد. یعنی دولت یک واحد تولیدی بزرگ در اختیار ما بگذارد. ما آن را با همین شرایط که گفتیم حاضر هستیم اداره کنیم. و اما در مسئله بهبود زندگی زحمتکشان یک حداقلی حتماً ضروری است. متأسفانه اطلاع پیدا کردیم که تصمیم و پیشنهاد وزارت کار در مورد بالا بردن حداقل دستمزد با مقاومت فوق العاده شدیدی در هیئت وزیران روبرو شده و حتی ممکن بوده است که از آن جلوگیری شود و هنوز هم خطر آن است که این پیشنهاد وزارت کار – که مورد تایید هیئت دولت هم قرار گرفته دو مرتبه در آن تجدید نظر بشود و ما این را فوق العاده خطرناک می دانیم. برای آن صلح اجتماعی که لازم است برای پیشبرد اهداف انقلاب. این عمل کارگران را ناراضی خواهد کرد و این عدم رضایت باز امکان زیادی به ضد انقلاب خواهد داد برای ایجاد تحریکات مختلف برای مختل کردن امر پیشرفت انقلاب ایران و بازسازی جامعه و از این جهت است که ما نظر خود را در این مورد و خطرناک بودن تجدید نظر درباره این حداقل دستمزد را به اطلاع مقامات دولتی رساندیم و فکر می کنیم که مطبوعات هم در این زمینه باید هر قدر هم که از روی حسن نیت باشد و یا پشتوانه آن دلایل ظاهر فریب مالی و اقتصادی باشد – انجام بگیرد که خطر زیادی خواهد داشت. این ها بود مسائل کلی که درباره آن صحبت کردیم.

### باید قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا و چهار موافقتنامه ضمیمه آن لغو شود

رفیق کیانوری در مورد سیاست خارجی و چگونگی تامین استقلال ایران گفت:  
سیاست خارجی یکی از عمده ترین بخش های تامین استقلال ماست. البته استقلال یک کشور فقط با سیاست خارجی تامین نمی شود. اصل استقلال همان طور که می دانیم عبارتست از استقلال اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی، که البته استقلال سیاسی یکی از عوامل عمده این چهار پایه استقلال است.

در زمینه سیاسی اقداماتی انجام گرفته ولی هنوز نمی توانیم بگوییم که این اقدامات کامل است. از اظهارات آقای **دکتر یزدی** (وزیر خارجه دولت بزرگان) که همین دیروز در نیویورک کرده اند ما با خوشوقتی **استقبال کردیم**. روزنامه مردم امروز هم شاهد این است که ایشان اعلام کرده اند که تمام قراردادهایی که با کشورهای امپریالیستی بوده است ملغی شده تلقی می گردد.

البته این گفته بسیار خوبی است. ولی این گفته نطقی است در یک مرکز اسلامی نیویورک. این مسئله باید به اظهار رسمی دولت ایران تبدیل شود. آن وقت ارزش سیاسی قطعی دارد. یعنی دولت ایران بایستی رسماً اعلام کند که این قراردادها چه بوده و آیا این قراردادها الان لغو شده است یا نه. چون آنقدر که ما می دانیم در قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا چهار توافق نامه خیلی خطرناک هم به آن ضمیمه است: توافق نامه نظامی بین ایران و آمریکا، توافق نامه دفاعی بین ایران و آمریکا، توافق نامه استفاده از مستشاران امریکایی در ایران و توافق نامه کمک های مسلح یعنی خرید اسلحه ایران از آمریکا.

این چهار توافق نامه که خود هر کدام قرارداد خیلی مفصلی است که منتشر نشده هنوز لغو نشده اند. لغو رسمی این قرارداد و توافق نامه ها یک عمل رسمی دولتی است نه یک سخنرانی در یک مجمع عمومی اسلامی در یک شهر آمریکا. به این جهت است که ما هنوز با اصرار انتظار داریم که قرارداد دو جانبه در اصل خودش و این 4 توافق نامه به خصوص دو توافق نامه دیگر هم هست که اهمیت این ها را ندارد - ملغی اعلام گردد. به این جهت است که در زمینه سیاسی ما معتقدیم اگر این اقدام انجام بگیرد آن وقت مسئله این که دولت ایران استقلال سیاسی خود را تامین کرده و در جگره کشورهای بی طرف وارد شده و تعهد دیگری ندارد (تعهداتی با کشورهای امپریالیستی) حل می شود. ما با اظهاراتی که در همین دوره انجام گرفته و از گفتگوهایی که با بعضی از رهبران انقلاب داشتیم و تضمین هایی که آن ها دادند امیدوار هستیم که در آینده نزدیک این مسئله دیگر قطعی بشود. این امید ماست. ولی باز هم از مطبوعات و گروه های سیاسی می خواهیم تا وقتی که این مسئله حل نشده به خواب نروند و برای این که این مسئله حل شود فشار بیاورند زیرا ما می دانیم که واقعا نیروهایی هستند در دستگاه سیاست ایران و در دستگاه اداری ایران که با تمام قوا با شکل های فوق العاده مودبانه حتی تصمیمات رهبری انقلاب و دولت را خنثی می کنند. مثلاً ما شاهد این هستیم که درست در همین روزهایی که روزنامه جمهوری اسلامی از توطئه عظیم امپریالیستی و صهیونیستی در خلیج علیه ایران و انقلاب ایران پرده بردای می کند در وزارت خارجی سخنرانی انجام گرفته که در آن یک کلمه درباره تهدید ایران از طرف امپریالیسم و صهیونیسم گفته نشده، بلکه در تمام این سخنرانی گفته شده است که ایران از طرف افغانستان و شوروی تهدید می شود.

ما در چنین لحظه هایی معتقد هستیم که اینجا عناصری دخالت دارند ( هر مرجعی اگر مدرکی می خواهد ما حاضریم مدرک صریح با تمام جملات و اسامی که گفته شده در اختیار آن ها قرار دهیم) یا روزنامه **مالک اشتر**، که مال **گارد مسلمان لشکر گارد** است. ما خواهش می کنیم که دوستان بیابند و این مقاله را تحت **عنوان مروری بر اوضاع کردستان در ارتباط با استقلال ایران** بخوانند و با تمام گفته های رهبری انقلاب مقایسه بکنند و ببینند که صد در صد مخالف آنست. در تمام مقاله یک کلمه درباره آمریکا نیست. درباره تحریک آمریکا در کردستان نیست. اصلاً اسمی از آمریکا برده نشده. البته آن آخرها اسمی از صهیونیسم برده شده. تمام مقاله عبارت از این است که شوروی جریان کردستان را به وجود آورده. در حالی که خلخال نماینده امام به آنجا می رود و صریحاً می گوید اینجا چنین چیزی نیست. آقای پروفیسور مکر، نماینده امام در شوروی اعلام می کند که شوروی هیچ دخالتی ندارد. نماینده امام در پاکستان همین را اعلام می کند. خود امام به صراحت می گوید که در کردستان ایران، آمریکا و امپریالیسم و صهیونیسم هستند که تحریک می کنند. این روزنامه ای است که به نام اسلام در آنجا مبارزه می کند.

ما معتقدیم که در تمام این دستگاه ها با تمام شدت وحدت این عناصر مشغول عمل هستند. (در اینجا یکی از خبرنگاران خواستار توضیح بیشتری در مورد توافق نامه های نظامی ایران و آمریکا شد)

رفیق کیانوری در این باره چنین توضیح داد:

« موافقت نامه درباره همکاری تدافعی بین ایران و آمریکا » « موافقتنامه درباره تجهیزات و لوازم دفاعی بین ایران و آمریکا » موافقت نامه مربوط به میسیون نظامی ارتش بین ایران و آمریکا » « موافقت نامه کمک نظامی بین ایران و آمریکا است ( که مال دورانی است که ما پول نداشتیم و آمریکا چیزهایی به عنوان کمک نظامی به ایران می داد) این ها 4 موافقت نامه اصلی است که ضمیمه قرارداد دو جانبه است که تا به حال در هیچ جا منتشر نشده است. تمام تسلط امپریالیسم در این موافقتنامه ها تضمین شده است.

## سیاست جدید دولت افغانستان به تحکیم اتحاد نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی و نیروهای هوادار اسلام کمک خواهد کرد

رفیق کیانوری درباره تحریکات علیه دولت افغانستان گفت: باز هم ما با خوشنودی این مسئله را دنبال می کنیم که مسئله تحریکات علیه افغانستان در یک دو هفته اخیر که توطئه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و دار و دسته آن در جنوب خیلی بارز شده، در قسمتی از مطبوعات کمی عقب رفته و ما امیدوار هستیم که این تصادفی نباشد و این واقعا یک شناختی باشد که جهت اصلی مبارزه ما جای دیگر است و آنجا را بایستی پایید.

سؤال شد در رابطه با همین جریان افغانستان که گفتید تغییر رهبر در افغانستان را چگونه تعبیر می کنید؟

رفیق کیانوری پاسخ داد معمولا حزب ما در عین حال که حزبی است که دوست تمام احزاب هم فکر خود در دنیا است ولی یک قرارداد کاملا شناخته شده ای قانون مناسبات بین احزاب است. **عدم دخالت در امور یکدیگر**. یعنی احزاب کمونیستی و کارگری، احزاب هوادار سوسیالیسم علمی در دنیا، که در جامعه انترناسیونالیستی احزاب کمونیستی و کارگری همکاری دوستانه ای دارند، در بین خودشان این قرارداد را کاملا رعایت می کنند که مطلقا در امور دیگری حق ندارند دخالت بکنند. به این جهت است که ما تغییرات داخلی را در افغانستان فقط حق حزب خلق افغانستان می دانیم و معتقدیم که این تغییرات در آنجا به تناسب مسایلی که برایشان مطرح است مشکلاتی که برایشان مطرح است انجام می گیرد. به طور عادی ما از محصول سیاستی که الان رهبری افغانستان در پیش گرفته در حل بعضی از بغرنجی ها در ایجاد محیطی آرام تر در افغانستان با خوش بینی و خوشحالی استقبال می کنیم و معتقدیم که این قدم ها کمک خواهد کرد به تمرکز بیشتر نیروهای ملی و خلقی افغانستان. اعم از آن هایی که هوادار سوسیالیسم علمی هستند یا آن نیروهای ملی افغانی که هوادار اسلام اند و زیر پرچم اسلام مبارزه می کنند کمک خواهد کرد به اتحاد این نیروها. به تحکیم جبهه متحد خلق که در آنجا الان حکومت می کند و به جلوگیری از تحریکات استعماری در افغانستان ما امیدوار هستیم و نتایج آن را در آینده خواهیم دید که در این جهت خواهد بود یا نه.

## وحدت ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی کنونی در رهبری حزب توده ایران و تمام حزب بی سابقه است

سؤال شد آیا در رهبری حزب اختلاف هست یا نه؟

رفیق کیانوری در پاسخ گفت: ما فقط با یک تبسم به آن جواب می دهیم . متأسفیم که این آرزوی بدخواهان خود را نمی توانیم برآورده کنیم و برآورده نکرده ایم. در رهبری حزب توده ایران کوچک ترین اختلافی نیست و همین طور که امروز در این مقاله مردم نوشته شده می توانیم ادعا کنیم که هیچ وقت در حزب توده ایران این وحدت ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی که الان در رهبری حزب ماست وجود نداشته و از این جهت می توان گفت که چاره ای نداریم که آن هایی را که خیلی دلشان می خواست چنین چیزی در حزب توده ایران به وجود آید و ناکام کنیم.

به مجرد این که این کلوب بسته شد بشارت های بسیاری دادند. من از ایران رفتم، رفقای دیگر رفتند، خارج شدیم از ایران. حتی یکی آمده بود و به یکی از دوستان که هر روز مرا می دید می گفت: خودم کیانوری را دیدم که با چمدان در میدان هوایی می رفت. از این نوع شایعه ها زیاد است. ولی مسلم این است که حزب، این سیاستی را که اعمال می کند

در رهبری حزب ما و در تمام حزب مورد تایید کامل است و اتحاد نظر کامل در رهبری و در حزب وجود دارد.

**روش سیاسی حزب دمکرات کردستان با سیاست حزب توده ایران منطبق نبوده و نیست. حزب توده ایران فعالیت مستقل سازمانی خود را در کردستان آغاز خواهد کرد.**

سؤال شد روابط شما با حزب دمکرات کردستان چطور است و نظر شما در مورد قاسملو دبیر اول کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان چیست؟

رفیق کیانوری در پاسخ گفت: همان طور که همه شاهد هستند ما تا به حال هیچ گونه روابط رسمی با حزب دمکرات کردستان نداشتیم. علت آن عبارت از یک جریان تاریخی است که بین حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان به وجود آمد. ولی علت مهم تر آن این است که روش سیاسی که حزب دمکرات کردستان ایران پیش گرفت - چه در دوران مهاجرت و چه در دورانی که در عراق همکاری با جریان انحرافی سال های اخیر بارزانی می کردند، چه در دوران بعد از انقلاب در ایران، با سیاست حزب ما منطبق نبود و به همین علت هم درست چند وقت قبل از این که حزب مواجه با محدودیت هایی بشود، ما رسماً اعلام کردیم که رهبری حزب تصمیم گرفته است که فعالیت مستقل خودش را در کردستان آغاز کند و این را طی اعلامیه ای به اطلاع همه رساندیم. یعنی حزب دمکرات کردستان جداسازی از حزب ما و هیچگونه رابطه سازمانی بین حزب ما و حزب دمکرات کردستان وجود ندارد. البته افراد زیادی هستند که خودشان را هوادار سیاست حزب ما می دانند و در داخل حزب دمکرات کردستان شرکت داشتند. چون حزب ما هنوز در آنجا فعالیت نمی کرد ولی در دوره های اخیر این ها همه جدا شدند و به صورت هواداران حزب توده ایران، گروه های خودشان و کلوب های خود را در کردستان تشکیل دادند. مراکز پخش روزنامه خودشان را داشتند و روزنامه کردی هم به زبان کردی ما تدارک دیده بودیم و بنا بود در بیاید که با محدودیت های اخیر متوقف شد، ولی به زودی در خواهد آمد. ما فعالیت مستقل خودمان را در کردستان آغاز خواهیم کرد. به تناسب این که حزب دمکرات کردستان سیاست خود را درجهتی تعیین کند که این جهت با آنچه که ما برای جبهه متحد خلق پیشنهاد کردیم یعنی اگر سیاستش با سیاست پیشنهادی ما تطبیق کند ما حاضر خواهیم بود همان طور که با احزاب دیگر حاضر به همکاری هستیم - با حزب دمکرات کردستان هم همکاری کنیم.

( در اینجا خبرنگار گفت که این حزب ، منحل اعلام شده )

رفیق کیانوری پاسخ داد:

ما معتقدیم که در شرایط آینده تکامل اوضاع کردستان احتمال این که حزب دمکرات کردستان هم با تحول سیاسی که پیدا خواهد شد باز هم بتواند فعالیت سیاسی خود را تجدید کند وجود خواهد داشت. منتهی البته نه بر اساس مبارزه مسلحانه علیه دولت. **نمی تواند یک حزبی هم علیه دولت مبارزه مسلحانه کند و هم حزب علنی باشد.** به همین دلیل است که ما پیشنهاد می کنیم که تمام این مسایل باز است. با منحل اعلام کردن یک حزب، آن حزب منحل نمی شود. **حزب توده ایران در این مورد رکورد را شکسته** است. چند سال منحل بود ولی منحل نشد و بالاخره منحل را از روی اسمش برداشتند.

سیاست یک حزب می تواند در یک دوره نادرست باشد، ولی آن حزب می تواند سیاستش را تصحیح کند. ما معتقدیم که خلق کردستان سازمان سیاسی خودش را غیر از سازمان طراز نوینش را که حزب توده ایران است می تواند داشته باشد. منجمله حزب دمکرات کردستان می تواند به زندگی خودش در چارچوب جمهوری اسلامی ایران ادامه بدهد و برنامه خود را دنبال کند. می تواند با احزاب دیگر همکاری کند. همه این ها در چارچوب حل مشکل کردستان قابل بررسی است و نمی شود حالا برایش نسخه نوشت.

**سؤال شد سابقه همکاری حزب توده ایران را با حزب دموکرات کردستان بگویید.**

رفیق کیانوری پاسخ داد: حزب دموکرات کردستان در مرداد ماه سال 1324 بر اساس یک سازمان سیاسی کهنه که حزب « کوموله » بود به وسیله و به رهبری قاضی محمد که یکی از درخشان ترین رهبران خلق کرد در تاریخ خود بود تشکیل شد. در همان تاریخ مناسبات بسیار دوستانه بین حزب ما و حزب دموکرات کردستان بوجود آمد. **جبهه ائتلافی از حزب توده ایران، حزب دموکرات کردستان، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب ایران** بوجود آمد. حزب ایرانی که امروز اینقدر به اینها فحش می دهد در این جبهه ائتلافی شرکت کرد. و یکی دیگر هم حزب « **جنگل** » متعلق به ملیون گیلان بود و در این جبهه با همدیگر همکاری کردیم، تا جریان حمله ارتجاعی به کردستان و آذربایجان شروع شد و در نتیجه آن احزاب هر دوشان بلافاصله منحل اعلام شدند. ولی حزب توده ایران دو سالی ادامه حیات علنی داد. یعنی از سال 1325 تا سال 1327 که حزب را دولت شاه غیر قانونی اعلام کرد، ما دو سال فعالیت علنی داشتیم. در این دو سال ما امر **تجدید سازمان حزب دموکرات کردستان** را به عهده گرفتیم. یعنی فعالین حزب دموکرات کردستان به حزب توده ایران پیوستند. همان طور که فرقه دمکرات آذربایجان به حزب توده ایران پیوست. تا سال 32، تا وقتی که هجوم 28 مرداد انجام گرفت. تا آن موقع وحدت تشکیلاتی در ایران بود. یعنی کار تشکیلات حزب دموکرات کردستان و تشکیلات فرقه دمکرات آذربایجان در آذربایجان جزئی بود از تشکیلات حزب توده ایران. وحدت کامل بین ما وجود داشت و زیر همین نام فعالیت سازمانی انجام می گرفت. ولی از لحاظ تشکیلات جزئی بودند از حزب توده ایران. بعد از 28 مرداد که سازمان ما در مجموع خود بتدریج متلاشی شد، این پیوستگی ها هم از بین رفت. بین حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در یک کنفرانس وحدت توافق شد که این دو حزب پیوند کاملی پیدا کنند و یک سازمان سیاسی بشوند که الان وجود دارد. حزب توده ایران هست و سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان به نام فرقه دمکرات آذربایجان کار می کند. از لحاظ حزبی فرقه دمکرات آذربایجان که در آذربایجان کار می کند، سازمان ایالتی حزب توده ایران است و تحت رهبری کامل حزب توده ایران عمل می کند. در مورد حزب دموکرات کردستان در سال های 60 این وحدت به وجود نیامد و کار به **جدایی** کشید. بدین ترتیب از این تاریخ به بعد یعنی از سال 1332 به بعد مسئله اتحاد سازمانی بین حزب دموکرات کردستان و حزب توده ایران از بین رفت و از لحاظ سیاسی هم آن ها راه خودشان را پیش گرفتند. آن راهی بود که ما در تمام این دوران با آن موافقتی نداشتیم. ما با آن ها اختلاف نظر داشتیم و به اینجا کشیده شد که الان می بینید در مورد شخص قاسملو. ما در مورد اشخاص تا **مدرک مستقیمی** نداشته باشیم چیزی نمی توانیم بگوییم. **قاسملو** یک زمانی عضو حزب توده ایران بود. بعد اخراج شد، به علت همان روش های نادرستی که داشت و این اخراج هم اعلام شد. تاریخ دقیقش را نمی توانم بگویم بایستی در حدود 12 سال پیش باشد. در مطبوعات اعلام شده است.